

جرعه‌ای از زلال وحی پیام‌های آسمانی (۴)

میرصادق سید نژاد

تلاوت شایسته قرآن

تلاوت کنندگان قرآن، به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی در همان مرحله تلاش برای ادای درست الفاظ قرآن از مخارجشان توقف می‌کنند. آنان فقط می‌کوشند ظاهر عبارات آن را به درستی قرائت کنند. گروهی هم عمده تلاششان دستیابی به معانی عبارات قرآن است. آنها می‌کوشند با ریزه‌کاری‌های معانی و نکات ظریف علوم قرآن بیشتر آشنا شوند. اما گروه دیگر چون قرآن را برنامه کامل زندگی می‌دانند، در هیچ یک از مراتب گفته شده توقف نمی‌کنند، بلکه خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و درک معارف آن را، مقدمه عمل به دستورات آن قرار می‌دهند. قرآن از این طایفه، با عنوان تلاوت کنندگان شایسته یاد می‌کند و می‌فرماید: «کسانی که کتاب خدا را به گونه‌ای شایسته تلاوت می‌کنند، مؤمنان واقعی به آنهایند»^۱.

نشان سبک‌سری

پیروی از معیارهای عقلانی، همواره در آموزه‌های دینی تأکید شده است. بر این اساس، همه پیامبران و اولیای الهی، در طول تاریخ از مردم خواسته‌اند به دنبال کارهایی باشند که با موازین عقل و اندیشه سالم هماهنگی دارد. به همین دلیل، تأکید شده است که دین الهی، امری است که آموزه‌های آن با اصول عقلانی هماهنگ است و رویگردانی از آن چون مخالفت با معیارهای عقلانی است، انحراف از مسیر درست و در غلتیدن به وادی سفاهت و سبک‌سری شمرده می‌شود. قرآن کریم پس از تبیین حقیقت آیین ابراهیمی که با عقل و خرد و روح و فطرت انسانی

هماهنگی کامل دارد، به این حقیقت تصریح می‌کند که کسی جز انسان‌های سفیه و سبک‌سر از آن روی بر نمی‌گرداند.^۱ وقتی از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیدند: سبک‌سری چیست؟ فرمود: «پیروی از فرومایگان و هم‌نشینی با گمراهان». ^۲ بی‌تردید انسان عاقل در مواجهه با هر امری، نخست به میزان هم‌خوانی آن با ملاک‌های عقلانی توجه می‌کند و اگر آن را با آنها هماهنگ دید، می‌پذیرد؛ وگرنه آن را به کناری می‌نهد. اما افراد نادان به جای معیارهای خردمندان، از اموری چون هم‌خوانی با هواهای نفسانی و لذت‌های زودگذر پیروی می‌کنند و در نهایت هم به گمراهی می‌افتند.

پیامبرانی از جنس انسان

برای پیامبران الهی، ویژگی‌هایی ذکر شده است که هر یک از آنها، به گونه‌ای به هدف از بعثت آنها مربوط می‌شود و ایشان بدون هر یک از آن مشخصات، در انجام درست رسالتشان به مشکل بر می‌خورند. یکی از این ویژگی‌ها این است که پیامبران حتماً باید از نوع بشر باشند؛ چون خیلی از افراد بر این گمان بودند که اگر کسی از طرف خداوند مأموریت هدایت بشر را یافت، باید از نوع فرشته باشد. قرآن کریم در ردّ چنین گمانی، بارها اشاره می‌کند که برای مردمان، پیامبر یا پیامبرانی از نوع خودشان فرستاده می‌شود.^۳ علت این مسئله این است که اگر شخصی بخواهد الگو و رهبر مردم باشد، باید همان صفات و غرایزی را داشته باشد که دیگران دارند تا با تمام وجود نیازها، گرایش‌ها و گرفتاری آنها را درک کند؛ در غیر این صورت، نه آنها می‌توانستند دردها و نیازهای انسان‌ها را درک کنند و نه انسان‌ها می‌توانستند از آنها سرمشق بگیرند.

نگرانی از آینده دینی فرزندان

بر اساس آموزه‌های دینی، حقوق بسیاری برای فرزندان بر عهده والدین است. اولیای الهی، در مناسبت‌های گوناگون بر تربیت اخلاقی و دینی فرزندان، به عنوان حقی مسلم و تکلیفی مهم تأکید کرده‌اند. در بین همه حقوق فرزند، توجه به سلامت دینی او بسیار مورد اهتمام اولیای الهی بوده است؛ چون قرآن یکی از مسئولیت‌های مهم افراد را در برابر فرزندان، حفظ آنان از آتش دوزخ می‌داند که آن هم تنها از راه برخورداری از آیین درست به دست می‌آید. قرآن کریم در این باره نقل می‌کند: وقتی زمان رحلت حضرت یعقوب فرا رسید، نوعی نگرانی از آینده فرزندان

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۴، ح ۲.

۱. بقره: ۱۳۰.

۳. بقره: ۱۲۹؛ مؤمنون: ۳۳.

در او احساس می‌شد. سرانجام این نگرانی را به زبان آورد و از فرزندانش پرسید: بعد از من چه چیزی را می‌پرستید؟ آنها جواب دادند: خدای تو و خدای پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم که خداوند یگانه و یکتاست و مادر برابر او تسلیم هستیم.^۱ پس از آن حضرت یعقوب آرامش یافت.

همه مسئول اعمال خویشند

یکی از لوازم عدالت کامل الهی این است که هر کس در برابر مجموعه اعمال و رفتاری که دارد، مسئول شناخته شود. نقل شده است وقتی ولید بن مغیره، از مشرکان جدا شد و نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد، بعضی از مشرکان او را سرزنش کردند که آیین پدران خود را رها کردی؟ او گفت: من از عذاب خدا می‌ترسم. شخصی از مشرکان به او گفت: اگر چیزی از اموالت را به من دهی و به سوی شرک باز گردی، من عذاب تو را بر گردن می‌گیرم. ولید چنین کرد. در آن لحظه، آیه‌ای بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و ولید را در بازگشت از ایمان نکوهش کرد و سپس فرمود: «هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد و برای هر کس بهره‌ای جز کوششی که کرده است نخواهد بود و هر کس به نتیجه عملی که کرده است خواهد رسید».^۲ قرآن کریم در جای دیگر، خطاب به یهود که می‌گفتند: اگر ما هم گناهکار باشیم، به برکت گذشتگانمان که نیکوکار بودند نجات می‌یابیم، فرموده است: «آنها امتی بودند که در گذشتند و اعمالشان مربوط به خودشان است و اعمال شما هم مربوط به خودتان خواهد بود. شما هرگز مسئول اعمال آنها و آنها هم هرگز مسئول اعمال شما نخواهند بود».^۳

وحدت دعوت انبیا

در آموزه‌های قرآنی به مسلمانان توصیه شده است که به تمام پیغمبران الهی به صورت یکسان احترام بگذارند. خداوند در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «آنها به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو بر پیامبران پیشین نازل گردیده، ایمان می‌آورند».^۴ در سوره شوری هم می‌خوانیم: «خداوند شرع و آیینی را که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد، و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش

۱۶۵۱

۲. نجم: ۳۸-۴۱

۴. بقره: ۴

۱. بقره: ۱۲۳

۳. بقره: ۱۲۴

نمودیم.^۱ البته باید توجه کرد که این موضوع، مانع از آن نمی‌شود که هر آیین جدید که از طرف خداوند نازل می‌گردید، آیین‌های گذشته را نسخ کند و آیین اسلام، آخرین آیین باشد؛ زیرا پیغمبران خدا، همانند معلمانی بودند که هر کدام جامعه بشری را در یک کلاس پرورش می‌دادند. بدیهی است دوران آموزش هر یک که تمام می‌شد، مردم به دست معلم دیگر در کلاس بالاتر سپرده می‌شدند. به همین دلیل، انسان‌ها موظفند برنامه‌های آخرین پیامبر را - که آخرین مرحله تکامل دین آن عصر است - اجرا کنند و این امر، هرگز مانع از حقانیت دعوت دیگر پیامبران در زمان خودشان نمی‌شود.^۲

سفارش به خدایی شدن

از آنجا که بسیاری از ویژگی‌های شخصی افراد با کمال و تعالی آنان در تعارضند، اولیای الهی همواره مردم را به شیوه‌های گوناگون از گرفتار شدن به این اوصاف بازداشته‌اند و از آنان خواسته‌اند به گونه‌ای زندگی کنند که رنگ و بوی دنیایی پیدا نکنند؛ چرا که امور دنیوی، افزون بر ضرر رساندن به حقیقت انسانیت، بسیار زودگذر و ناپایدارند و هرگز کسی را به سعادت نمی‌رسانند. قرآن کریم در این زمینه به صورت کلی سفارش می‌کند که مؤمنان بکوشند در زندگی از میان همه رنگ‌ها، فقط رنگ خدایی را بپذیرند؛ یعنی رنگ ایمان و تقوا و توحید و پاکی داشته باشند، چون هیچ رنگی بهتر از رنگ خدایی نیست.^۳ این رنگ، زندگی را شیرین و سعادت ابدی را تضمین می‌کند، ولی رنگ‌های دیگر، جز درگیری و زیان ابدی، حاصلی در پی ندارد. امام صادق علیه السلام درباره رنگ الهی فرمود: «یعنی پذیرش و عمل به آموزه‌های آیین پاک اسلام».^۴

امتحان، بستن رشد و ترقی

یکی از سنت‌های بزرگ الهی، امتحان بندگان است که در قرآن کریم بیش از بیست بار مطرح شده است. آزمایش‌ها برای آن است که مردم هرچه بیشتر رشد و تعالی یابند و به عبارت دیگر، هرچه بهتر استعدادهاشان شکوفا شود. در نتیجه آزمایش، شایستگی‌های انسان‌ها به ظهور می‌رسد و میزان کارایی آنها معلوم می‌گردد. بر این اساس، تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی، ابزار امتحان الهی هستند. گروهی با مصیبت‌ها آزمایش می‌شوند و برخی دیگر بارفاه آزموده می‌گردند. هر کس در مرحله‌ای از امتحان پیروز شود، شایستگی نیل به مقام و منزلت برتر و پاداش بیشتر را پیدا می‌کند.

۱. شوری: ۱۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. بقره: ۱۳۸.

ابراهیم علیه السلام سر بلند آزمایش‌ها

قرآن کریم برای بیان نمونه‌ای کامل از امتحان الهی، به سرگذشت حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند. وی در نتیجه پیروزی در آزمایش‌های بسیار سختی که با آنها مواجه شده بود، به مراتب والای کمال دست یافت. در مرحله نخست، به مقام عبداللهی رسید، سپس به مقام نبی‌اللهی نائل شد و پس از آن به ترتیب به منزلت رسول‌اللهی و خلیل‌اللهی رسید. او در نهایت، به مقام امامت و رهبری مردم منصوب گردید. قرآن کریم در سر دست یابی حضرت ابراهیم علیه السلام به این مراتب بالای کمال می‌فرماید: «به خاطر بیاور هنگامی که پروردگار ابراهیم او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و چون او به خوبی از عهده آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم»^۱.

برنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نگاهی کلی، مجموعه برنامه‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در چهار مسئله خلاصه می‌شود:

۱. خواندن آیات خدا: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سخنان خدا را بر اساس نظام مناسبی بر مردم می‌خواند تا زمینه پذیرش آنها فراهم شود و آمادگی تربیت پیدا کنند.
۲. تزکیه کردن: پیامبر به کمک آموزه‌های وحی، انواع صفات زشت را از وجود افراد و محیط جامعه پاک کرد و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی را در ایشان شکوفا ساخت.
۳. آموزش کتاب و حکمت: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دستورات قرآن و حکمت و اسرار آنها و علل و نتایجشان را به صورت کامل برای مردمان تبیین کرد تا آنها پس از آگاه شدن از آثار هر یک از آموزه‌های الهی، از روی میل و رغبت آنها را به کار بندند و زندگی‌شان را به صورتی شایسته و بر اساس آموزه‌های وحی سر و سامان بخشند تا افزون بر سعادت دنیوی، خوشبختی جاودانی آخرت را نیز به دست آورند.

۴. آموزش نادانسته‌ها: انبیای الهی در روند تعلیم، تربیت و تزکیه انسان‌ها، اموری را به ایشان آموختند که اگر بعثت انبیا تحقق نمی‌یافت، هرگز نمی‌توانستند به آن امور دسترسی پیدا کنند.^۲

ضرورت همیشگی یاد خدا

برخی از رهنمودهای قرآن مجید، مانند یاد خدا، با هدف جلوگیری از گمراهی پس از هدایت مطرح شده است که توجه به آنها در تمام لحظه‌های زندگی ضرورت دارد. به یقین منظور از ذکر

خدا و به یاد او بودن، تنها یادآوری به زبان نیست، بلکه هدف آن است که انسان با تمام وجود خویش در همه لحظه‌های زندگی به ذات پاک خدا توجه کند. این کار وی را به یاد بزرگی، قدرت بی‌پایان، نعمت‌ها، عذاب، عدالت و امدادهای خدا می‌اندازد و در نتیجه، در مواجهه با گناهان و انحراف از صراط مستقیم، از گرفتن تصمیم‌های نادرست باز می‌دارد. بر این اساس، در آیات بسیاری سفارش شده است که «همواره به یاد من باشید».^۱ اگر انسان به یاد خدا باشد، خداوند هم الطاف و عنایات خود را شامل حال او می‌کند. اگر انسان‌ها با اطاعت به یاد خدا باشند، خدا با رحمتش از آنها یاد می‌کند.^۲ اگر به دعا او را یاد کنند، وی هم به اجابت از آنها یاد می‌کند.^۳ اگر به عبادت یادش کنند، به یاری‌سازی یادشان می‌کند.^۴

شکرگزاری، مایه فزونی

هرگونه توجه به خدا، برکت‌هایی برای انسان در پی می‌آورد. از جمله وعده‌های الهی در این باره این است که اگر بنده در برابر نعمت‌های فراوان خدا شکرگزار باشد، خداوند نیز به دلیل این توجه سپاس‌گزارانه، زمینه نزول برکت‌ها و نعمت‌های بیشتر را برای او فراهم می‌کند. خداوند می‌فرماید: «ای بندگان! اگر شما سپاس‌گزار نعمت‌هایم باشید، هر آینه بر آنها خواهم افزود».^۵ بر این اساس، در جای جای قرآن کریم توصیه به شکرگزار بودن به چشم می‌خورد. خداوند در سوره بقره، پس از ذکر بخشی از نعمت‌های مهم الهی می‌فرماید: «شکرگزار باشید و ناسپاسی نکنید».^۶ وقتی از امام صادق علیه السلام پرسیدند: گرامی‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: «کسی که چون نعمتی به او داده شود، شکر کند».^۷ کمترین نوع شکرگزاری از نعمت‌های خداوند آن است که نعمت‌های او را در راه نافرمانی‌اش به کار نبرند.^۸ از آنجا که خداوند غنی مطلق است، این دعوت به شکرگزاری هم برای آن است که سود بیشتری به خود بنده برسد. قرآن کریم تصریح دارد که: «هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گذارد و هر کس ناسپاسی پیشه کند، بی‌گمان پروردگار بی‌نیاز و کریم است».^۹

۲. آل عمران: ۱۳۲.

۴. حمد: ۴.

۶. بقره: ۱۵۲.

۸. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

۱. بقره: ۱۵۲.

۳. مؤمن: ۶۰.

۵. ابراهیم: ۷.

۷. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۱۴.

۹. نمل: ۴۰.

زنده بودن شهیدان

یکی از سنت‌های الهی این است هیچ هدف مقدس و گرانبهایی بدون تحمل زحمت و دادن قربانی تحقق پیدا نمی‌کند. بر این اساس، پیاده کردن احکام الهی و حاکمیت بخشی به ارزش‌های انسانی هم نیاز به کوشش و فداکاری دارد. از طرف دیگر، در هر نهضت و حرکتی، گروهی راحت طلب و ترسو هم پیدا می‌شوند که به موازات سخت تر شدن اوضاع، نه تنها خود را کنار می‌کشند، بلکه می‌کوشند دیگران را نیز در پی گیری اهداف نهضت دلسرد کنند. نقل است که در آغاز اسلام، هرگاه کسی از مسلمانان در جهاد با دشمنان به شهادت می‌رسید، این افراد با اظهار تأسف و ارائه تحلیل‌های نادرست، دیگران را مضطرب می‌ساختند. خداوند در پاسخ به اظهارات مسموم و یأس‌آور آنها، پرده از روی حقیقتی بزرگ برمی‌دارد و با صراحت می‌گوید: «شما حق ندارید کسانی را که در راه خدا از جان خود می‌گذرند و به شهادت می‌رسند، مرده بخوانید. آنها زنده‌اند، زنده جاویدان، و از نعمت‌های خدا در پیشگاه او بهره می‌گیرند و از سرنوشت خود کاملاً خوشنودند. اما شما که در چهار دیواری محدود عالم ماده زندانی هستید نمی‌توانید این حقایق را درک کنید.»^۱